



The Role of Shi'a Imamate Teachings in Strengthening the Cognitive Dimension of Social Capital and Realizing the Ideals of the Islamic Revolution

Mohammad Ali Shariati

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Email: shariaty1347@gmail.com

Abstract

Social capital holds significant importance in contemporary societies, and its deficiency signifies an insufficient reservoir of social trust within the community. Consequently, social bonds become compromised, public morality faces threats, and ultimately, the quality of life and social welfare encounter crises. To enhance social capital in our nation and realize the ideals of the Islamic Revolution, it is imperative to develop an indigenous theory aligned with our country's political and social structure and conditions, adopting a value-oriented and religion-centric approach. This article employs descriptive-analytical and historical-interpretive methods to demonstrate how Shi'a Imamate - possessing distinctive characteristics such as infallibility, divine knowledge, and guardianship - not only presents the most comprehensive epistemological framework for social capital but also effectively expands and strengthens its most crucial cognitive components, particularly the element of trust and its two primary branches: trust-based beliefs and trust-based behaviors. This process subsequently facilitates progress toward the ideals of the Islamic Revolution.

Keywords: Imamate, Guardianship , Shi'ism, Social Capital, Trust, Islamic Revolution.





سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۵)، تابستان ۱۴۰۲، صص. ۵۹-۸۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

مقاله پژوهشی

جایگاه آموزه‌های امامت شیعه در تقویت بُعد شناختی سرمایه اجتماعی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی

محمدعلی شریعتی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، اصفهان.

Email: shariaty1347@gmail.com

چکیده

امروزه سرمایه اجتماعی دارای اهمیت فراوان است و پایین بودن آن به این معناست که ذخیره اعتماد اجتماعی به قدر کافی در جامعه وجود ندارد؛ در نتیجه پیوندها در جامعه مخدوش شده و اخلاق عمومی مورد تهدید قرار می‌گیرد و به دنبال آن کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی دست‌خوش بحران می‌شود. در جهت ارتقای سرمایه اجتماعی در کشورمان و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی ارائه نظریه‌ای بومی و متناسب با ساختار و شرایط سیاسی و اجتماعی کشورمان و با رویکردی ارزشی و دین‌محور ضروری است. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و نیز تاریخی-تفسیری به این مهم پرداخته می‌شود که امامت شیعه، با داشتن شاخصه‌هایی چون عصمت، علم و ولایت الهی ضمن ارائه بهترین منظومه معرفتی سرمایه اجتماعی در گسترش و تقویت مهم‌ترین مؤلفه‌های شناختی سرمایه اجتماعی یعنی مؤلفه اعتماد و دوشاخه اصلی آن یعنی باور و رفتار اعتمادی و به دنبال آن حرکت به طرف آرمان‌های انقلاب اسلامی بسیار مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: امامت، ولایت، تشیع، سرمایه اجتماعی، اعتماد، انقلاب اسلامی

شاپا الکترونیک: ۹۹۷۲-۳۰۴۱ ♦ شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ♦ فصلنامه نظریه‌پردازی راهبردی

<https://theory.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 3041-9972



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است؛ همچنین آرا و مفاهیم نظری مقاله بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی یا تایید شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره نیست.

مقدمه

سرمایه اجتماعی یک مجموعه از نهادهای زیربنایی اجتماع نیست بلکه حلقه اتصال‌دهنده افراد در قالب نهادها، شبکه‌ها و تشکلهای محسوب می‌شود (اختر محقق، ۱۳۸۵: ۱)؛ که بر ارتباطات و روابط میان انسان‌ها تمرکز دارد. روابطی که در لحظات زندگی روزمره و در طول عمر انسان‌ها جریان دارد و از طریق تشکیل و تقویت شبکه‌ها و گروه‌های اجتماعی زمینه تسهیل کنش‌های اجتماعی و تأمین نیازهای اجتماعی و گسترش همکاری‌ها، تعاون و مبادله توانمندی‌ها و تخصص‌ها میان انسان‌ها را فراهم می‌کند. در بحث سرمایه اجتماعی مسائل کیفی و چگونگی روابط انسانی دغدغه اصلی دانشمندان قرار گرفته است، چراکه برای تکوین آن صرف روابط به‌خودی‌خود کافی نیست، بلکه نیاز به روابطی است که از اساس شامل ارکانی از قبیل اعتماد، صداقت، امانت و... باشد و بتواند سازوکارهایی اثرگذار در چگونگی روابط میان افراد و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی فراهم آورد. متأسفانه تحقیقات مختلفی که در زمینه وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران انجام شده، بیانگر فرسایش سرمایه اجتماعی در ایران است (عبداللهی، موسوی، ۱۳۸۶: ۲۱۶)؛ که نمادهای آن را در گسترش مسائلی چون افول اخلاق، افزایش بی‌اعتمادی و روند روزافزون رفتارهای هنجارشکنانه می‌توان مشاهده کرد. ادامه این وضعیت می‌تواند جامعه ما را با انواع آسیب‌های اجتماعی روبه‌رو کرده و در آینده بحران‌ساز شود (حمیدی زاده، ۱۳۹۷: ۹۷-۹۵).

شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین علل بروز این مشکل در کشورمان توجه صرف به رشد اقتصادی در برنامه‌ریزی‌ها و عدم توجه به فرهنگ غنی شیعه و آموزه‌های مبتنی بر تعالیم امامت در مباحث توسعه‌ای کشورمان هست. چراکه نموده‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در هر جامعه رنگ و بوی هویتی آن را دارد. تشیع و گفتمان غنی امامت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی جمعی ایرانیان علاوه بر آنکه در برگرنده آیین‌ها، اصول، ارزش‌ها، احساسات و هویت مشترک مردم ایران است، دارای کارکردهای عمیق مستقیم و غیرمستقیم در سایر حوزه‌های فردی و اجتماعی زندگی آن‌ها از جمله فرهنگ، سیاست، روابط اجتماعی، خانواده، اوقات فراغت و ... هست؛ اسوه بودن امام در شیعه و تأکید بر اطاعت عملی از آن بزرگان، پدیده‌ای علامت‌دهنده برای شکل‌گیری یک نظام سالم اجتماعی و تولید سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. به‌صورتی که گویی منشأ بسیاری از محصول‌های سرمایه اجتماعی در سیره و رفتار ائمه (س) یافت می‌شود و می‌تواند موتور مولد سرمایه اجتماعی در کشورمان قرار گیرد. در این تحقیق ما به دنبال توصیف صرف سرمایه اجتماعی



نیستیم، بلکه تلاش داریم با ارائه یک نظریه تحلیلی به سازمان‌دهی عوامل سازنده سرمایه اجتماعی بپردازیم و در این جهت آموزه‌های امامت شیعه را مورد بحث و بررسی قرار دهیم و به این سؤال پاسخ دهیم که امامت شیعه دارای چه ظرفیت‌هایی در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی است؟ در پاسخ به این سؤال و بعنوان مفروض پژوهش باید گفت که هرچند در امامت به‌طور مستقیم از اصطلاح سرمایه اجتماعی سخنی به میان نیامده ولی محتوای آن در اندیشه و سیره عملی ایشان تبلور یافته است. مفاهیمی چون وحدت، تفاهم، اخوت، اعتماد، صداقت، تعهد و وفاداری، به‌وفور در آموزه‌های آن بزرگواران یافت می‌شود. که تبیین آن‌ها نقشی راهگشا در تولید سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در کشورمان خواهد داشت. بنابراین با بازخوانی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شناختی و نگاه اتمه^(س) به‌عنوان مفسران و باطن‌دین، دلالت‌های مفهومی این مؤلفه‌ها در مجموعه آموزه‌های امامت مورد بررسی قرار گرفت و با تمرکز بحث در حوزه سرمایه اجتماعی شناختی تلاش شده به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که عناصر اصلی و دلالت‌های مفهومی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شناختی در مجموعه آموزه‌های اخلاقی امامت کدام است؟

پیشینه پژوهش

در نگاه جامعه‌شناسان، دین با داشتن مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی موردتوجه قرار گرفته است. «دورکیم»^۱، از جمله کسانی است که در کتابش با عنوان «صور بنیانی حیات دینی» به‌صورت کلان به مذهب توجه کرده و آن را ملاط انسجام جامعه می‌بیند. او می‌نویسد تشریفات و احساسات مذهب برای کارکرد مناسب زندگی معنوی جامعه، درست به‌اندازه غذا برای حفظ حیات جسمی او ضرورت دارد و نیرویی قوی در جهت ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی ایجاد می‌کند (Durkheim, 1912:358).

«گریلی»^۲ نیز در پژوهشی با عنوان «ساختارهای مذهبی منبع سرمایه اجتماعی»، نشان می‌دهد که در کشورهایی که سطح دین‌داری پایین است سطح سرمایه اجتماعی و به‌ویژه مشارکت و اعتماد اجتماعی نیز در سطح پایینی قرار دارد (Greeley, 1997:594-587). «ولر»^۳ در تحقیق خود با عنوان «سازمان دینی و سرمایه اجتماعی»، از سازمان‌های دینی به‌عنوان پل ارتباطی بین مردم مجامعه یاد

1. Durkheim
2. Greeley
3. Weller

می‌کند به گونه‌ای که هرچه این ارتباط قوی‌تر باشد سرمایه اجتماعی بیشتری در جامعه یافت می‌شود (Weller, 2011: 271-289). در پژوهش‌های داخلی، کتابی و همکاران (۱۳۸۳) در تحقیقی تحت عنوان «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی- فرهنگی»، به ارائه رهیافتی پرداختند که در قالب آن دین به عنوان نظامی کنی‌الاجزا و از طریق ابعاد متعدد خود فعلیت سرمایه اجتماعی را محقق می‌کند. گنجی و هلالی (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان «رابطه گونه‌های دین‌داری و سرمایه اجتماعی»، بیان می‌کنند که دین با داشتن دستاوردهایی چون تقویت روحیه امیدواری و نشاط، ایجاد روحیه همدلی، همبستگی و انسجام اجتماعی در تقویت سرمایه اجتماعی بسیار مؤثر است. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت در تحقیقات انجام شده به رابطه دین و سرمایه اجتماعی به‌طور کلان پرداخته شده است ولی موضوع این مقاله که به صورت خاص به نقش و جایگاه امامت شیعه در تقویت سرمایه اجتماعی می‌پردازد تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

۱. هستی‌شناسی سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از طریق مختلف می‌تواند در بهبود نهادهای اجتماعی و تسهیل در روند توسعه مؤثر باشد. در بعد اجتماعی به قول «دوتوکویل»، سرمایه اجتماعی مانند یک چسب اجتماع را به هم پیوند می‌دهد (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۳)؛ و با تقویت اعتماد اجتماعی ضمن دادن احساس امنیت به فرد، به برقراری و عمق‌بخشی به ارتباطات و مشارکت اجتماعی کمک کرده و از فردگرایی مفرط و ضداجتماعی افراد جلوگیری می‌کند. در بُعد اقتصادی، سرمایه اجتماعی با ایجاد جو اعتماد، همدلی و مشارکت نیاز به کارگیری سازوکارهای رسمی را در مبادلات کاهش داده (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۱۷۵) و زمینه افقی شدن ساختارهای مدیریتی و کاهش کنترل‌های انسانی، کارایی نهادها، کاهش هزینه‌ها و کسب سود بیشتر را فراهم می‌کند (دهقانی، ۱۳۸۲: ۴۰). همچنین سرمایه اجتماعی شرایط را برای ارائه یک افق بلندمدت برای تفکر و برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و اعتماد به آینده، شکوفایی خلاقیت‌ها و رشد و توسعه کشور فراهم می‌آورد (تحقیقی، ۱۳۸۲: ۲۷). این اثر تا بدان‌جا است که گفته می‌شود درازای هر هفت درصد رشد شاخصه‌های سرمایه اجتماعی، سرمایه‌گذاری افزایش یافته و یک‌دهم درصد به تولید ناخالص ملی اضافه می‌گردد (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۱۷۶).

در بُعد سیاسی وجود سرمایه اجتماعی باعث افزایش مشروعیت نظام سیاسی می‌شود. به این معنا که جامعه حق فرمان دادن برای فرمانروایان و وظیفه فرمان بردن خود را از آنان می‌پذیرد

(ابوالحمد، ۱۳۸۲: ۲۴۵) و به دنبال آن نیاز به استفاده از ابزارهای اعمال قدرت و کنترل کاهش یافته و به جای صرف هزینه‌های مادی و انسانی برای آن‌ها، این هزینه‌ها برای توسعه صرف می‌گردد و دولت ضمن ایجاد رضایت و اعتماد عمومی، قدرت و توانایی‌های بین‌المللی خود را برای مواجهه با چالش‌های توسعه، افزایش داده و وکارآیی خود را بهبود می‌بخشند.

۱-۱. ابعاد شناختی سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی دارای دو بعد شناختی و ساختاری است. باورهایی که در قالب هنجار قرار می‌گیرند، بعد شناختی و مجموعه شرایط محیطی که امکان عمل به باورها را فراهم می‌سازد بعد ساختاری آن را تشکیل می‌دهد (Uphoff, 2000: 218). سرمایه اجتماعی در شکل شناختی آن به جنبه‌های ذهنی و نامحسوسی همچون مفاهیم، زبان مشترک، هنجارها، ارزش‌های مشترک و اعتماد اشاره دارد که در حقیقت بیان‌گر جنبه کیفی سرمایه اجتماعی هست (شارع پور، ۱۳۸۵: ۱۶۸).

در واقع می‌توان گفت که هر دو بعد سرمایه اجتماعی در سطح بالایی به هم وابسته‌اند و به یکدیگر کمک می‌کنند. بعد شناختی وابستگی متقابل مثبت را برای کنش‌های جمعی دوطرفه خلق و تقویت می‌کند و بعد ساختاری کنش‌های جمعی دارای منافع دوطرفه را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر یکی، مردم را به سوی کنش جمعی سودمند دوطرفه ترغیب می‌کند و دیگری انجام چنین چیزی را تسهیل می‌کند.

۲-۱. شاخصه‌های شناختی سرمایه اجتماعی

در بعد شناختی سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی توجه ویژه‌ای می‌شود. که مجموعه هنجارهای «اعتماد» از مهم‌ترین شاخصه‌های آن محسوب می‌شوند. و در شکل‌گیری تعلق جمعی، همیاری و متراکم شدن تعاملات اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. اعتماد به عنوان چسب اجتماعی تعریف شده است (رئیس دانا، ۱۳۹۳: ۱۱)؛ که اعضای سازمان را به یکدیگر متصل می‌کند و به عنوان جزء اساسی و گام اول تولید سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. وجود تعاریف متعدد از مناظر و رشته‌های متفاوت دانشگاهی از یک سو و مطالعه‌های تجربی صورت پذیرفته از سوی دیگر، ماهیت اعتماد را

بحثبرانگیز نموده است. ما با الهام از «مایر»^۱ و همکاران برای متغیر اعتماد دو عنصر «باور اعتمادی» و «رفتار اعتمادی» را در نظر می‌گیریم: (Mayer, 1995: 709-734). «باور اعتمادی»^۲ عبارت است از مجموعه‌ای ذهنی و موافق، از باورها در مورد دیگران و روابط با آن‌ها که بر اساس آن فرد فرض می‌گیرد حرکات و اعمال دیگران برای وی نتایج مثبت در بر خواهد داشت که مؤلفه‌های «خیرخواهی»، «روراستی»، «قابل پیش‌بینی بودن» و «صداقت» شاخصه‌ای اصلی آن معرفی شده‌اند (Mollering, 2004: 556-570).

همچنین «رفتار اعتمادی»^۳، اعمال و رفتاری هستند که نشان می‌دهد چقدر اعتمادکننده به فرد معتمد، اعتماد دارد که مشتمل بر سه مؤلفه «تشریک‌مسابی»، «سازگاری» و «حل تعارض» قرار می‌گیرد (Dietz, 2010: 3-14).

۱-۲-۱. مهم‌ترین شاخصه‌های باور اعتمادی

الف. «خیرخواهی»^۴: بر این پایه است که ذات انسان به‌صورت بالقوه خیر و نیک‌سیرت آفریده شده است و تمایل به نیکي به دیگران و عشق به هم‌نوعان به‌طور طبیعی در او وجود دارد (2012: 537-553, Karakas). در حقیقت سبکی است که در آن فرد، دغدغه و توجه همه‌جانبه‌ای نسبت به دیگران دارد و از طریق رفتارهایی مانند فراهم کردن فرصت برای اصلاح اشتباهات، اجتناب از شرمندگی کردن افراد در انظار عمومی و دغدغه برای پیشرفت دیگران، سلوک مناسبی را پی‌ریزی می‌کند (Wang, 2010: 106-121).

ب. «قابل پیش‌بینی بودن و روراستی»^۵: این مؤلفه به معنای نگرش مثبت در یک فرد، درباره رفتار یا اهداف افراد دیگر است و ایجادکننده سطحی از اطمینان است که شرکا در آن سطح، قصد دست‌اندازی و استثمار یکدیگر را ندارند. در حقیقت این شاخصه جنبه درونی داشته و با توجه کردن به عدم تظاهر در رفتار و پرورش وجدان جمعی و توانایی کنترل فردی و گروهی، منافع جمعی مشترک را میان افراد شکل می‌دهد (خوش‌چهره و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵).

1. Mayer

2. Trusting Belief

3. Action of Trusting

4. Benevolence

5. Consistency in Adversity, Being True to oneself



ج. «صداقت»^۱: فضیلت اخلاقی است که در ارتباط شخص با خود، خدا، دیگر افراد جامعه و محیط تجلی پیدا می‌کند و در نتیجه آن میان ظاهر و باطن، گفتار با نوشتار و بیان کالبد و رفتار و همه این‌ها با یکدیگر تعادل برقرار می‌گردد (نصیری زاده، ۲: ۱۳۸۷). در مطالعه تعاریف و پژوهش‌های مختلف در این حوزه بر دو جنبش رفتاری صداقت به‌عنوان «تطبیق گفتار و اعمال»^۲، و صداقت به‌عنوان رفتار و عمل، بر طبق «اصول اخلاقی»^۳ (Batson, 1999: 525-537) تأکید می‌شود.

۱-۲-۲. مهم‌ترین شاخصه‌های رفتار اعتمادی

الف. «تشریک مساعی»^۴: به رفتاری که انسان‌ها درجه‌ات کمک به دیگران و به اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، اشاره دارد و باعث ایجاد تعادل بین منافع فردی و جمعی می‌شود (Krishna, 2000: 21). همچنین میزان ریسک‌پذیری و قابل‌اعتماد دانستن محیط زندگی از نظر فرد را افزایش می‌دهد. (Grootaert, 2005: 18).

ب. «سازگاری و مدارا»^۵: به معنای احترام گذاشتن، پذیرش و درک غنای فرهنگ‌ها و اشکال و شیوه‌های گوناگون زندگی انسان‌ها هست که به‌وسیله آگاهی، ارتباط و آزادی اندیشه، پرورش می‌یابد. مدارا، هماهنگی در عین تفاوت است که تنها یک وظیفه اخلاقی به شمار نمی‌رود بلکه یک نیاز قانونی و سیاسی است. مدارا، فضیلتی است که صلح را امکان‌پذیر می‌سازد و به‌کارگیری فرهنگ صلح به‌جای فرهنگ جنگ کمک می‌کند (یونسکو، ۱۹۹۵).

ج. «حل تعارض»^۶: میانجیگری افراد در جهت حل اختلافات و منازعات موجود میان آشنایان و همشهریان علاوه بر آنکه برای فرد رضایت به بار می‌آورد، باعث شکل‌گیری روابط سازنده و شبکه‌های حمایتی بالقوه می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۳۱۰).

1. Integrity
2. Consistency of Words and Action
3. Ethical Behavior
4. Collaboration
5. Compatibility and Tolerance
6. Adjustment

۳.۱. شاخصه‌های سرمایه اجتماعی در امامت

✓ خدامحوری

بدین معنا که همه‌چیز به خداوند تعلق دارد و ما بنده او و ودیعه دارانی بیش نیستیم و هدف الهی از خلقت، رشد و تکامل انسان و آباد شدن دنیا و آخرت اوست و اطاعت خدا یعنی پذیرفتن قوانین و دستورات او برای رسیدن به رحمت الهی است. بر این اساس هدف انسان‌ها در اجتماع رضایت الهی و تقواست (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۱۵).

✓ ولایت‌محوری

ولایت که یکی از مفاهیم اصلی آن پیوستگی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۲۰) در مکتب تشیع کلید تولید و تقویت سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌آید. بر اساس آن ریاست بر امور دین و دنیای مردم و تحقق‌بخشیدن به برنامه‌های الهی، اعم از حکومت و اجرای احکام الهی، تربیت و پرورش نفس انسانی در ظاهر و باطن با انتصاب الهی، برعهده امام قرار می‌گیرد (بحرانی، ۱۳۵۵: ۱۷۴). پذیرش ولایت امام بدین معناست که هر یک از احاد امت می‌بایست ارتباطی محکم و نیرومند با امام امت برقرار کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۶۳-۵۶۲) و با تبعیت حداکثری از امام در سه ساحت اندیشه، قلب و رفتار در جهت اتصال به او حرکت کنند.

در ولایت، امام، همچون مشعل فروزانی است که همگان او را نظاره می‌کنند و در تربیت نفس و کسب فضایل اخلاقی و تزکیه روان و رفتار خود از رذایل اخلاقی به‌عنوان اُسوه و الگوی مناسب برمی‌گزینند (فتحی، ۱۳۹۲: ۱۳). امام، میزان و معیار است. حق را از باطل جدا می‌کند؛ تعادل و توازن اجتماعی را برقرار می‌کند؛ خوبی‌ها و بدی‌ها با او سنجیده می‌شود و راه‌ها با او تطبیق داده می‌شود. باوجود شاخصه عصمت در امام، شیعیان مطمئن خواهند بود که پیروی از امام رضایت الهی را برای آنان به همراه خواهد آورد. به‌این‌ترتیب مفهوم ولایت در شیعه قاعده‌ای اساسی است که با وحدت بخشی، نیروهای شخصی را به یک توان و سرمایه اجتماعی تبدیل می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۵۶-۵۴۴) و به‌مثابه کشتی نجاتی است که بسیاری از ایثارگری‌ها و ازخودگذشتگی‌ها را در حوزه‌های مختلف روابط اجتماعی تقویت می‌کند.



✓ امت محوری

امامت به دنبال ساختن روح انسان و رساندن او به سرمنزل تکامل مقدرش که در قرآن تحت عنوان تزکیه و تعلیم و تخلق انسان‌ها به اخلاق الله بیان شده، هست (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۱۵) و برای رسیدن به این هدف توجه به بستر و ساخت اجتماعی و ایجاد نظام توحیدی که در آن همه چیز اعم از سنت، آداب، فرهنگ و... از خدا الهام می‌گیرد و از هوا و هوس‌ها تهی شده ضروری است. جامعه‌ای با مقررات و طرز فکر الهی که کمال همبستگی، اتحاد صفوف و فشرده‌گی هرچه بیشتر آحاد و جناح‌های گوناگون را در خودش تأمین می‌کند تا هیچ‌گونه تفرق و اختلافی در سرتاسر امت عظیم اسلامی نباشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۳۸-۵۲۱).

✓ وحدت و اخوت

ولایت با ارائه هنجارهای مشترک و در جهت تشکیل امت اسلامی برافزایش ارتباطات مطلوب اجتماعی تأکید می‌کند. از این منظر، افراد جامعه همانند زنجیرهای به هم پیوسته، تکمیل‌کننده و پیونددهنده یکدیگر هستند و حرکت به طرف کمال و ابدیت از طریق تعاملات اجتماعی مؤمنانه انجام می‌گیرد. همه در این حرکت مسئولیت داشته و باید یکدیگر را یاری کنند. امام علی^(ع) در سخن مشهور خود خطاب به مردم می‌فرماید: «شما مسئولیت دارید که حقوقی را که برعهده شما هست حتی نسبت به چهارپایان و زمین، ادا کنید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۳۱۹). در جهت شکل‌گیری امت اسلامی، اخوت به مثابه یک شبکه بزرگ اجتماعی مطرح می‌شود که در آن مؤمن، برادر، پدر و مادری مؤمن محسوب می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۰۰).

محوریت اخوت در وجود امام نهفته است و با پذیرش ولایت، همه مؤمنان به یکدیگر متصل می‌شوند. زمانی که فردی عضو این شبکه می‌شود، برادر ایمانی دیگر مسلمانان به شمار رفته و همگان در قبال او وظایفی پیدا می‌کنند و حقوقی را برای او به ارمغان می‌آورند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: احترام به مؤمن، حفظ آبروی مؤمن، حقوق هم‌نشین مؤمن، شاد کردن دل مؤمن، یاری برادران مؤمن، دفاع از حیثیت مؤمن، حقوق همسایگان، نهی از آزدن مؤمن و غیره. در واقع شبکه‌های اجتماعی که در سایه اخوت شکل می‌گیرند، موجب دوستی مسلمانان و مهرورزی اهل ایمان با یکدیگر شده و روابط اجتماعی بر مبنای کرامت انسان‌ها ایجاد می‌کنند.

✓ اعتماد

اعتماد به عنوان جزء اساسی سرمایه اجتماعی و به عنوان مهم‌ترین قسمت همگراساز در جامعه، باعث ایجاد یک رفتار قابل پیش‌بینی و معنی‌دار شدن روابط متقابل در جهت گسترش مشارکت در مسائل عمومی شده و در حفظ انسجام و وحدت نظام اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند. فقدان اعتماد به این معناست که جامعه هنوز توانایی همکاری و همیاری را ندارد (خلفخانی، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

وجود شاخصه‌هایی چون عصمت و علم الهی در امام زمینه ایجاد اعتماد و استمرار آن را میان امام و امت فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر ماهیت ولایت مولد اعتماد است. از طرف دیگر با توجه به اینکه ولایت به دنبال ایجاد جامعه توحیدی است که در آن زمینه رشد و تکامل الهی انسان فراهم شود. در آموزه‌های آن «مؤلفه‌های ایجابی» اعتماد، مانند امانت‌داری، وفای به عهد، حقوق برداران مؤمن و ... که موجب به وجود آمدن اعتماد می‌گردند و «مؤلفه‌های سلبی» آن مانند، نهی از تهمت، دروغ، کینه‌ورزی، نیرنگ، سخن‌چینی و نمایی، غیبت و ... که مانع از اضمحلال اعتماد در جامعه می‌شوند. بسیار مورد تأکید قرار دارد حال با توجه به مؤلفه‌های گفته شده به مهم‌ترین مصادیقی که تقویت‌کننده مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شناختی می‌باشند اشاره می‌کنیم.

۲. امامت و تقویت سرمایه اجتماعی شناختی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی

همان‌طوری که ذکر شد در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی همبستگی اجتماعی اهمیت زیادی دارد و در بعد شناختی سرمایه اجتماعی، هدف اصلی رسیدن به انسجام اجتماعی است که مجموعه هنجارهای اعتماد جزء اساسی و گام اول تولید آن محسوب می‌شوند. در این قسمت به صورت اجمال به برخی از مصادیقی که از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی امامت برگرفته شده و در تقویت دو عنصر اصلی اعتماد یعنی باور اعتمادی با مؤلفه‌های خیرخواهی، روراستی قابل پیش‌بینی بودن، صداقت و رفتار اعتمادی با مؤلفه‌های تشریک‌مسابی، سازگاری و مدارا و حل تعارض، نقش مهمی ایفا می‌کنند در تحقق همبستگی اجتماعی بسیار اهمیت دارند می‌پردازیم.

۱-۲. امامت؛ خیرخواهی و حسن ظن

«نصح» در لغت خالص شدن و خالص کردن است (شیرخانی، ۱۳۹۷: ۸۷). و نصیحت به معنای کلمه‌ای است که به وسیله آن اراده خیر برای نصیحت شونده بیان می‌شود (طریحی، ۱۴۰۶: ۱۴۸/۲). چنانکه



گفته شد پیوستگی و اخوت بین مؤمنین یک قاعده مبنایی در ارتباطات اجتماعی شیعیان است که از مفهوم ولایت گرفته می‌شود. و آن به این معناست که رسیدن به ولایت معصوم درگرو محبت، دلسوزی و خدمت به انسان‌ها است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۲۲-۵۱۹) و عدم رعایت احترام و حقوق مؤمنان به معنای عدم وصال به ولایت خواهد بود. با توجه به تأکیدات آن بزرگان بر این اصل که حتی از آن به‌عنوان صفت و غریزه مؤمن یاد شده است، «المؤمن غریزه النصح و سحیته الکظم» (نوری، ۱۴۱۲: ۴۱۲/۲). خیرخواهی در زمره ملزومات اصلی تشیع و دارای ابعاد گسترده حقوقی، سیاسی، فقهی و تربیتی است و هرگونه گفتار و کردار خیرخواهانه را شامل می‌شود. در این قسمت به تفکیک شواهد مؤید آن را در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهیم.

✓ حوزه سیاسی

خیرخواهی درسیاست مفهومی عام و قلمرو گسترده‌ای دارد و هرگونه گفتار و کردار خیرخواهانه از سوی حاکم و مردم نسبت به یکدیگر و همچنین مردم نسبت به هم را دربر می‌گیرد. (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: ۴۵-۴۹) بر همین اساس مسائلی چون گزارش نقص‌ها و کاستی‌ها به مسئولان هم از مصادیق نصیحت به ائمه مسلمین است. از سوی دیگر داد مظلوم از ظالم و ستاندن آن توسط حاکم نیز از مصادیق خیرخواهی امام و حاکم می‌تواند قرار گیرد (شیرخانی، ۱۳۹۷: ۸۶-۸۴).

✓ حوزه فردی

باتوجه به نگاه توحیدی امامت انسان‌ها عبادالله محسوب شده و به دلیل انتصاب آن‌ها به حضرت احدیت خیرخواهی برای همه انسان‌ها ازجمله اموری است که باعث جلب رحمت الهی می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۳۹). حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «ابلق ما تستدر به الرحمه ان تضمر لجميع الناس الرحمه»؛ رساترین و مهم‌ترین عاملی که سبب بهره‌مندی از رحمت ایزدی می‌شود این است که در باطن خیرخواه همه مردم باشی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۰). بر این اساس شیعیان باید همواره خیرخواه و خدمت‌گزار دیگران باشند و چنانچه دریافتند که خطری آنان را تهدید می‌کند، آنان را یاری کنند. این مهم باید در حضور و غیاب دیگران نیز جریان داشته باشد. بدین معنا که شیعیان از حالت دوگانگی بهره‌یزند و این‌گونه نباشد که در حضور، اظهار اخلاص کرده و در غیاب بی‌تفاوت باشند.

✓ حوزه اجتماعی

یک شیعه جامعه‌گرا است و کسی است که در عین استفاده از مواهب دنیا به دنبال خوبی‌هاست، دلسوز است و سعی می‌کند آنچه صلاح مردم است برای آن‌ها فراهم آورد و به حقوق دیگران توجه می‌کند و در کنار آن به صورت معقول در حفظ آبروی خود و دیگران می‌کوشد (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۵۰۹). در روایات، چهارنشانه برای شخص خیرخواه برشمرده شده است؛ ۱. «به حق قضاوت می‌کند»؛ ۲. «از خود به دیگران حق می‌دهد»؛ ۳. «برای مردم همان می‌پسندد که برای خود می‌پسندد»؛ و ۴. «به حق هیچ‌کس درازدستی نمی‌کند» این چهار نشانه در تقویت سرمایه اجتماعی شناختی، بسیاری تواند مؤثر باشد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴: ۱۰). در همین جهت در روایات اعمال بدخواهانه بسیار مذمت شده است. چنانکه امام صادق (ع) می‌فرمایند: «آن‌کس که بر ضد مؤمنی به قصد آبروریزی سخنی گوید تا از چشم مردم بیفتد، خداوند او را از ولایت خود خارج و به طرف ولایت شیطان رها می‌کند ولی شیطان نیز او را نمی‌پذیرد» (کلینی، ۱۳۷۶: ۳۵۸) و در کنار آن رحمت و خیرخواهی را از صفات بهشتیان برمی‌شمارند و می‌فرمایند: «هیچ مؤمنی برای برآوردن نیاز برادر مؤمنش قدمی برنمی‌دارد و برای او در برطرف کردن آن نیاز خیرخواهی نمی‌کند مگر این‌که خدا برای هرگام او حسنه‌ای می‌نویسد و گناهی را پاک می‌کند، چه آن نیاز برآورده شود یا نشود» (مجلسی، ۱۳۷۱: ۳۸۶).

۲-۲. امامت؛ قابل پیش‌بینی بودن و روراستی

چنانکه گفته شد پذیرش ولایت امام بدین معناست که هر یک از احاد امت بایستی ارتباط محکم و نیرومندی با امام امت برقرار کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۴۴) و ملاک ولایت داشتن به معنای تبعیت حداکثری از امام در سه ساحت اندیشه، قلب و رفتار در جهت اتصال به اوست. شیعه حقیقی می‌کوشد خود را در این سه حوزه شبیه امام سازد. بنابراین مسیر شیعیان به سمت هماهنگی رفتاری با امامان است. و از طرف دیگر در آموزه‌های امامت توجه به تقوا و مؤلفه‌های ایجاد اعتماد اعم از ایجابی مانند، امانت‌داری، وفای به عهد، حقوق برادران مؤمن ... و سلبی مانند، نهی از تهمت، دروغ، کینه‌ورزی، نیرنگ، سخن‌چینی و نمایی، غیبت و ... بسیار مورد تأکید قرار گرفته‌اند و شیعیان باید خود را متریبی به این تربیت سازند تا حفاظ درونی در مقابل این کژی‌ها پیدا کنند. این مهم، در تقویت این مؤلفه از سرمایه اجتماعی شناختی بسیار اثرگذار است که به بعضی از مصادیق آن اشاره می‌کنیم.



✓ تقوا

درونی کردن هنجارها یکی از مؤثرترین عوامل پیروی کردن از آن‌ها است (دفلور و سایرین، ۱۳۷۱: ۱۱۷) و در این جهت یکی از بارزترین قواعد حاکم بر نظام فکری و عملی شیعیان، تقوا و کار برای خداوند است. مسلماً کسی که خدا را خالصانه عبادت کند و قلب خود را متوجه صفات نیک پروردگارش نماید، در نحوه ارتباطش با مردم اثرمی‌گذارد و موجب بهبود رابطه‌اش با مردم می‌شود. نکته مهمی که در کلام معصومین وجود دارد بیان جزئیات و خصوصیات اخلاقی، رفتاری، فردی و اجتماعی است. در این بیان، یک شیعه به دنبال خوبی‌ها است، دلسوز است و سعی می‌کند آنچه صلاح مردم است برای آن‌ها فراهم آورد، به هنگام برخورداری از نعمت‌های الهی دچار کبر و غرور نمی‌شود، به حقوق دیگران توجه می‌کند و در کنار آن به صورت معقول در حفظ آبروی خود و دیگران می‌کوشد (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: ۵۰۹) و جز با فروتنی و امانت‌داری و یاد خدا شناخته نمی‌شود. در نگاه ائمه (س) پرهیزکاران، هم به رابطه خود با خداوند توجه دارند و هم مردم. در راه هدایت انرژی‌دهنده و شادی‌آفرین هستند و درعین حال در ارتباطات اجتماعی راست‌گویند، حرف زشت از دهانشان خارج نمی‌شود و افراد را با القاب زشت نمی‌خوانند و گفتار و کردارشان باهم هماهنگ است (میریان و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۴۸). طبیعتاً این صفات، انسان‌های قابل اعتماد و قابل پیش‌بینی را تربیت می‌کند.

✓ امانت‌داری و وفای به عهد

این صفت نیز در تقویت اعتماد و قابل پیش‌بینی شدن افراد بسیار مؤثر است که در آموزه‌های ائمه (ع) بر آن تأکید شده است. بطوری‌که در کلام آن بزرگان از نشانه‌های دین‌داری شمرده شده است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷).

۳-۲. امامت و صداقت

صداقت، فضیلتی اخلاقی است که در معنای وسیعش شامل، صدق در نیت، رفتار و ساختار است. که در ارتباط فرد با خود، خدا، افراد دیگر جامعه و با محیط تجلی پیدا می‌کند و احراز آن از طریق مؤلفه‌هایی چون، انصاف، راست‌گویی به معنای مطابقت سخن با واقعیت و باور به دست می‌آید.

در آموزه‌های امامت، صداقت از خصوصیات عالی اخلاق انسان است که در زمره زمینه‌های اساسی ارجمندی و نیک‌بختی انسان شناخته شده است و از آن به عنوان اساس هر نوع اصلاح فردی و اجتماعی و برادر عدالت (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۵) و باعث جلب توفیق الهی (مجلسی، ۱۳۷۱: ۳۸۶) یاد می‌شود. در مقابل، کذب و دروغ‌گویی ریشه همه فسادها و سرچشمه همه تباهی‌ها دانسته شده است. در کلام امامان انسان برای به دست آوردن صداقت سه مرحله را باید پشت سر گذارد:

۱. صدق در گفتار: امام علی (ع) می‌فرماید: «راست‌گو باش، چون کسی که در گفتارش راست‌گو باشد، دارای قدر و منزلت خواهد بود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۸).

۲. صدق در کردار: امام علی (ع) می‌فرماید: «ای مردم! به خدا سوگند من شمارا به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم، مگر این‌که پیش از شما خود به آن عمل کرده باشم و شمارا از معصیتی نهی نمی‌کنم، مگر این‌که پیش از شما از آن دوری کرده باشم.» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: ۳۳۱) امام صادق (ع) نیز در این رابطه می‌فرماید: «مردم را با کردارتان به کار نیک فراخوانید تا کوشش، راستی و پرهیزکاری را از شما مشاهده کنند (کلینی، ۱۳۷۶: ۸۶).

۳. صدق در پندار: انگیزه و اندیشه برای اعمال انسان همچون جان برای تن است. اساس کار را نیت و فکر آدمی می‌سازد و اعمال و رفتار انسان در حقیقت، برآمده از نیت اوست. بر این اساس میزان ارزشمندی عمل انسان به اندیشه و نیتی است که در سر دارد. در کلام امام کاظم (ع) راست پنداری و صدق در نیت، پیش‌نیاز و پایه صدق در گفتار و کردار محسوب می‌شود و دین جز با نیت درست برقرار نمی‌گردد (مجلسی، ۱۳۷۱: ۳۱۲).

۲-۴. امامت و تقویت رفتار اعتمادی

۲-۴-۱. امامت و تشریک مساعی

پیوستگی و اخوت مؤمنین در جهت شکل‌گیری امت اسلامی و ایجاد بستر مناسب برای رسیدن به اهداف الهی به عنوان یک قاعده مهم در بحث امامت مورد توجه است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۲۰) ائمه (س) با ارائه هنجارهای مشترک مبتنی بر فضائل اخلاقی برافزایش ارتباطات مطلوب اجتماعی تأکید می‌کنند چراکه از منظر دین، افراد جامعه همانند زنجیرهای به هم پیوسته تکمیل‌کننده هم و پیونددهنده یکدیگر هستند و حرکت به طرف کمال و ابدیت از طریق تعاملات اجتماعی مؤمنانه میسر است و همه در این حرکت مسئولیت داشته و باید یکدیگر را یاری کنند بر همین اساس در آموزه‌های آن‌ها



راه‌کارهای بسیاری برای تقویت تشریک‌مساعی وجود دارد. که به دو مورد از مصادیق مهم آن اشاره می‌کنیم.

✓ ایثار

ایثار به معنی برگزیدن، عطا کردن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن، منفعت غیر را بر مصلحت خودم مقدم داشتن هست (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۸۶). ایثار در کلام ائمه (س) بالاترین درجه ایمان و از نشانه شیعه بودن بر شمرده شده است. (مجلسی، ۱۳۷۱: ۱۶۳) و آن بدین معناست که یک شیعه با اینکه رفتاری مثبت و اعتماد‌آمیز از طرف مقابلش نمی‌بیند به ارتباط مثبت با او دست می‌زند و در زندگی اجتماعی نیز با بخشش و گذشت با دیگران رفتار می‌کند و در برابر کارهای خیر خود هیچ پاداشی را از مردم انتظار ندارد چراکه هدف او فقط جلب رضایت الهی است. ایثار در گونه‌های مختلفی چون، فدا کردن جان، دادن مال، هزینه کردن اعتبار و گاهی اوقات ترکیبی از این‌ها انجام می‌گیرد.

✓ مواسات

در کنار ایثار، مفهوم مواسات به عنوان بالاترین مرتبه ایثار و عنصری مهم در تقویت این مؤلفه در فرهنگ اهل بیت (س) مطرح می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۹۸). و آن بدین معنا است که انسان در ایثار تا آن‌جا پیش رود که دیگران را در مال خود شریک کند و همسان آنان زندگی کند. امام صادق (ع) در تفسیر آیه «و عملوا الصالحات» (سوره عصر: آیه ۳)، عمل صالح را به معنای مواسات با برادران دینی می‌داند (حکیمی، ۱۳۸۵، ۱۵۹). هم‌چنین در روایت دیگری از آن حضرت، مواسات بین برادران دینی، حق مؤمنان بر یکدیگر معرفی شده و تأکید می‌شود که بایستی در این راه، حتی جان خویش را نیز فدای برادر مؤمن خویش کنند (صدوق، ۱۳۸۲: ۲۲۸). بدیهی است که در این نگاه عمیق‌ترین و زیباترین شکل تشریک‌مساعی رخ خواهد داد.

۲-۴-۲. امامت؛ سازگاری و مدارا

در ابتدا لازم است به این نکته اشاره داشته باشیم که مفهوم «رفق و عفو»، در فرهنگ اسلامی، با «تساهل و تسامح» یا مدارا در تفکر غربی کاملاً متفاوت است. مفهوم رفق و مدارا در اسلام به معنی

سازش با هرگونه تفکر دینی و غیردینی و یا تأیید آن‌ها نیست. زیرا اسلام مبتنی بر پذیرش وجود حقیقت یگانه و اصول و قواعدی الهی است چنین تفکری نمی‌تواند قواعد خارج از آن را اگر شامل اصول صحیحی نباشد، بپذیرد. ملاک حقانیت دردیدگاه دینی، کلام خداوند است که به‌عنوان آفریدگار انسان اصول دینی اسلام را برای سیر تکاملی او تعیین نموده است. این در حالی است که بر مبنای تساهل غربی، حقانیت مطلق به این معنی وجود ندارد و هیچ مکتب و دینی نمی‌تواند ادعای شناخت و سیر به‌سوی حقیقت را داشته باشد. مطابق با این تفکر نسبی‌گرایانه، هر اندیشه و روشی می‌تواند در جایگاه خود صحیح باشد و باید طرفداران اندیشه‌های گوناگون، نسبت به هم تساهل مطلق داشته باشند. چنانکه مشهود است، این تفکر کاملاً با تفکر اسلامی در مورد رفق و مدارا تفاوت دارد و به‌هیچ‌عنوان هدف اسلام را که همان رسیدن انسان به کمال عالی است، دنبال نمی‌کند (خدری، ۱۳۹۴: ۷۱-۷۰).

چنانکه در بحث‌های قبلی نیز اشاره شد قاعده کلی در امامت، حرکت در جهت تقویت پیوستگی مؤمنین و تشکیل امت اسلامی مبتنی بر اخوت و مسئولیت همگان در جهت هدایت است. بر همین اساس به اهم توصیه‌های ائمه^(ع) که تقویت‌کننده این مؤلفه هست می‌پردازیم:

✓ حُسن خلق (خوش برخوردی) و حُسن معاشرت (ادب)

به شیعیان توصیه‌شده است ضمن حفظ شئونات اسلامی و حسن معاشرت در جامعه و همراهی با مردم در اخلاق و عادات پسندیده و افعال نیکو، در برخورد با عقاید متفاوت نیز با حسن خلق برخورد کرده و باگذشت و مدارای آگاهانه، با برخورد منطقی و مستدل و به‌دور از توهین، به دفاع از عقاید خود بپردازند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: ۴۰۱-۳۸۱).

✓ تحمل مخالف

ائمه اطهار^(س) همان‌گونه که در اجرای دستورات خداوند انعطاف‌ناپذیر و جدی بودند، در مواجهه با مخالفان خود تا آنجا که شرع اجازه می‌داد به‌ویژه هنگامی که به شخص خودشان جفا یا توهینی صورت می‌گرفت، با عفو و مدارا برخورد می‌کردند. در بیانی دیگر امام علی^(ع) سفارش می‌کند که شیعیان در برابر تفاوت‌ها و عقاید متفاوت باید ضمن اولویت دادن به موازین شرعی، با دیگران با



احترام و نیکویی سخن بگویند و از اهانت به مقدسات دیگران حتی مشرکان اجتناب نمایند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۶۶۵).

۲-۴-۳. امامت و حل تعارضات

چنانکه بیان شد پذیرش ولایت امام مهم‌ترین عامل اعتمادبخش و از بین برنده تعارضات هست چراکه امام به‌عنوان اسوه و الگوی شیعیان برای حرکت در مسیر انسانیت میزان و معیار است. حق را از باطل جدا می‌کند و تعادل و توازن اجتماعی را برقرار می‌کند. خوبی‌ها و بدی‌ها با او سنجیده می‌شود و راه‌ها با او تطبیق داده می‌شود. و در نتیجه اختلافات و تفاوت‌ها از میان می‌رود و سرمایه اجتماعی در جامعه حفظ و استمرار می‌یابد. در همین راستا برای تقویت اخوت اسلامی سازوکارهایی برای حل و کاهش تعارضات درآموزه‌های اهل بیت (س) مطرح شده که به‌طور اجمال به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم؛

✓ ایجاد ارتباطات برادرانه

طبیعتاً هرچه روابط انسان‌ها همراه با احترام، محبت، دلسوزی و رعایت حقوق دیگران باشد زمینه شکل‌گیری تعارضات کاهش می‌یابد. این مهم در کلام اهل بیت (س) بسیار مورد تأکید است امام کاظم (ع) می‌فرمایند: «کسی که مؤمنی را شاد کند، خداوند روز قیامت دل او را شاد می‌کند» (کلینی، ۱۳۷۶: ۱۹۳). همچنین می‌فرمایند: «کسی که برادر مسلمان خود را با سخنی ملاطفت‌آمیز و با هدف رفع مشکلش گرامی بدارد تا هنگامی که در این حال است، در سایه رحمت خداوند قرار دارد (کلینی، ۱۳۷۶: ۲۰۷). همچنین امام علی (ع) می‌فرمایند: «کسی که با مردم با مسالمت رفتار کند، دوستانش بسیار و دشمنانش اندک شوند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵).

✓ تشویق بیان نظرات موافق و مخالف

یکی از زمینه‌های نارضایتی افراد، بی‌توجهی به نظرات آن‌ها است در جهت کاهش تعارضات در این آموزه‌ها تأکید بر تضارب آرا و زمینه‌سازی برای بیان نظرات مخالف و منتقد شده است. حضرت امام علی (ع) می‌فرمایند: «تضارب آراء کنید تا اندیشه درست متولد شود» و نیز می‌فرمایند: «رأی را مانند جنباندن مشک برهم زیند تا رأی درست و محکم برایتان به بارآید و هرکه به استقبال آرای

مختلف برود جایگاه خطا را بهتر خواهد شناخت» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: ۶۶۵). تأکید بر مشورت نیز در همین راستا قرار دارد و ایشان می‌فرمایند: «هرکس با رجال مشورت کند، از اندیشه آن‌ها بهره گرفته است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: ۶۶۵).

✓ شفاف‌سازی

در بحث کاهش تعارضات، لزوم شفاف‌سازی و پرهیز از ابهام بسیار ضروری است. امام علی^(ع) به مالک اشتر می‌فرماید: «به ابهام‌زدایی برخیز و با منطق روشن، دلیل خود را از انجام هرکار بیان کن و گمان‌های دیگران را در مورد خود تعدیل و تصحیح نما چراکه با رفع ابهام و بیان حقیقت بدگمانی‌ها را از بین می‌بری و به موفقیت خواهی رسید» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: ۴۸۹).

✓ عدالت محوری

تأکید بر عدالت به معنای رساندن مردم به حق خود در کاهش تعارضات می‌تواند نقش مهمی را ایفاکند. در همین‌راستا به پرهیز از رفتارهای منجر به بروز کدورت و شکل‌گیری تعارضات مخرب تأکید شده است. امام علی^(ع) در نامه مشهور خود به مالک اشتر می‌فرماید: «مبادا در مسند قدرت، برخورد‌های تو مانند جانور درنده‌ای باشد که فرصت خوردن آنان (زیردستان) را غنیمت شماری» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: ۵۶۷).

نتیجه‌گیری

در زمان کنونی که مدیران کشور در تلاش برای حرکت به طرف تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و دستیابی به الگوی ایرانی- اسلامی پیشرفت هستند، بسیار حیاتی خواهد بود که بحث سرمایه اجتماعی و کنترل و به‌کارگیری مؤثر آن در مسیر رشد و توسعه کشورمان موردتوجه قرار گیرد. این امر تنها در سایه شناخت ماهیت آن، عوامل موجد آن و آشنایی با روش‌های تقویت آن ممکن است. این مقاله تلاش داشت که ضمن توجه به مهم‌ترین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی شناختی، دلالت‌های مفهومی آن را در مجموعه آموزه‌های امامت مشخص کند. با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان گفت، امامت با ارائه هنجارهایی مانند ایثار، اصلاح بین مردم، صداقت، عقلانیت، روراستی، حسن ظن، صراحت و شفافیت، عدالت، وفاداری، خیرخواهی و ...، به‌عنوان عوامل مؤثر بر اعتماد



به طور مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد ذهنیت مثبت فردی و اجتماعی و استحکام روابط اجتماعی شکل گیری شبکه های ارتباطی و بالا رفتن اعتماد اجتماعی نقش ایفا می کنند و از عوامل مهم و اساسی در شکل گیری سرمایه اجتماعی شناختی و تقویت آن در ابعاد ذهنی و عینی محسوب می شوند.

آنچه موجب تمایز هنجارهای سرمایه اجتماعی در این آموزه ها با هنجارهای متعارف سرمایه اجتماعی می شود، لحاظ رضایت الهی و تأکید خاص بر اعتماد و سرمایه اجتماعی درون گروهی مسلمانان است. کنش ها بر اساس این هنجارها فرامادی شده و با مطرح کردن کمال واقعی انسان یعنی تقرب به خداوند سرمایه اجتماعی متعالی را شکل می دهند و تقوا به این معنا که فرد موحد با تنظیم روابط خود در تمامی سطوح، رضایت خداوند را مد نظر دارد به عنوان مهم ترین مؤلفه مطرح می شود.

این هنجارها در وهله نخست به تثبیت و تقویت سرمایه اجتماعی درون گروهی با مسلمانان ختم می شود و در مرحله بعد با گسترش روابط با دیگر انسان ها براساس تفاهم و همزیستی مسالمت آمیز، سرمایه اجتماعی بین گروهی را شکل خواهند داد. در واقع باید گفت که امام در اندیشه شیعیان سرمایه بسیار عظیمی است که در صورت استفاده از آن کشورمان را قادر خواهد کرد که فراتر از مدل های صرفاً غربی به کمک مدل های برآمده از مفاهیم اساسی و ارزش های بنیادی امامت به تقویت اثربخش سرمایه اجتماعی در جامعه و تحقق آرمان های انقلاب اسلامی بپردازد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، موسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی، قم.
- رضی، شریف (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، انتشارات لاهیجی، قم.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۲)، *مبانی سیاست*، تهران: نشر قومس.
- اختر محقق، مهدی (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی*، تهران: ناشر مهدی اختر محقق.
- اسماعیلی، حسن (۱۳۸۵)، *بررسی شاخصه‌ای توسعه اجتماعی و سطح‌بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان*، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.
- بحرانی، میثم بن علی (۱۳۵۵)، *قواعد المرام فی علم الکلام*، قم: انتشارات مهر.
- تاج‌بخش، کیان؛ ثقفی، مراد؛ کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۲)، *سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز*، مجله رفاه اجتماعی شماره ۴.
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی اعتماد و دموکراسی*، ترجمه افشین خاک‌باز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- تحقیقی، امیرحسین (۱۳۸۲)، *سرمایه اجتماعی شرط لازم برای توسعه*، فصلنامه اندیشه صادق، شماره ۱۱ و ۱۲.
- تیمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، *تصنیف غررالحکم و درر الکلم*، محقق و مصحح درایتی، مصطفی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم: چاپ اول.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۵)، *الحیاه*، ترجمه احمد آرام، قم: انتشارات دلیل ما، چاپ پنجم.
- حمیدی‌زاده، علی (۱۳۹۷)، *واکاوی افول سرمایه اجتماعی در ایران*، مجله مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱.
- خوش‌چهره، محمد (۱۳۸۷)، *سرمایه اجتماعی و توسعه*، نشریه راهبرد یاس، شماره ۱۶.
- خدری، غلامحسین (۱۳۹۴)، *کاوشی در معنای تساهل و تسامح در دو فرهنگ اسلامی و غربی*، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، سال دهم، دوره جدید، شماره ۳۹.
- خلفخانی، مهدی (۱۳۸۶)، *سرمایه اجتماعی پایگاه اجتماعی توسعه*، پژوهشنامه مرکز تحقیقات استراتژیک، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۱۴.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷)، *فرهنگ دهخدا*، چاپ اول، تهران: چاپ سیروس.



- دهقانی، بابک (۱۳۸۲)، *سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی*، فصلنامه اندیشه صادق شماره ۱۱ و ۱۲.
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۹۳)، *نقد روش‌شناختی و مفهومی سرمایه اجتماعی*، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی: مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری*، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مازندران، ساری.
- شیرخانی، علی (۱۳۹۷)، *نصیحت در فقه سیاسی شیعه*، مجله علوم سیاسی، سال بیست و یکم، شماره ۸۳.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۰۶ ق.)، *مجمع‌البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- عبداللهی، محمد؛ موسوی، میر طاهر (۱۳۸۶)، *سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دور‌نمای آینده و امکان‌شناسی گذار*، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۵.
- علینی، محمد؛ غفاری، غلامرضا؛ زهیری، علیرضا (۱۳۹۳)، *مبانی دینی سرمایه اجتماعی و نسبت آن با حکمرانی خوب*، مجله علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، پاییز ۱۳۹۳، شماره ۶۷.
- فتحی، یوسف (۱۳۹۲)، *سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ع)*، تهران، نشر معارف.
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی تهران، انتشارات کویر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۶)، *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، انتشارات اسوه.
- کتابی، محمود؛ گنجی، محمد؛ احمدی، یعقوب؛ رضا معصومی (۱۳۸۳)، *دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی*، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۱۷.
- گنجی، محمد؛ هلالی ستوده، مینا (۱۳۹۰)، *رابطه گونه‌های دین‌داری و سرمایه اجتماعی (رویکردی نظری و تجربی در بین مردم شهرستان کاشان)*، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲.
- محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به صدوق، (۱۳۸۲)، *الخصال*، ترجمه یعقوب جعفری، قم، نسیم کوثر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۱)، *بحارالانوار*، تهران، مکتبه الاسلامیه
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴)، *میزان‌الحکمه*، قم، انتشارات دارالحديث.
- ملوین آل. دفلور و سایرین (۱۳۷۱)، *اقتباس حمید خضر نجات، مبانی جامعه‌شناسی*، چاپ اول، دانشگاه شیراز.
- میریان، فردوس؛ صمدانیان، محسن (۱۳۸۸)، *هنجارهای اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه*، مجله مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، سال چهل و یکم، شماره ۳.

- نصیری زاده، مژگان (۱۳۸۷)، *علل عدم صداقت در سازمان‌ها و نقش مدیران در ترویج صداقت*، دانشگاه علوم پزشکی تهران، معاونت توسعه مدیریت و برنامه‌ریزی منابع، مجله الکترونیکی پیک مدیران.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۱۲ ق.)، *مستدرک الوسائل*، قم، موسسه آل‌البیت لاحیاءالاثراث.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۵)، *یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم*، گزارش کشوری، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی، زمستان ۱۳۹۵.



References

- Batson C, Thompson E, Seufferling G, Whitney H, Strongman J. (1999). Moral hypocrisy: Appearing moral to oneself without being so. *Journal of Personality and Social Psychology*; 77(3): 525–537.
- Karakas, F. & Sarigollu, E. (2012). Benevolent leadership: conceptualization and construct development. *Journal of Business Ethics*, 108 (7), 537-553.
- Krishna, anirudh and Elizabeth shrader. (2000). Cross-Cultural Measure of Social capital: a tool and results from India and Panama, Washington DC: world bank social capital initiative paper no.21.
- Grootaert, christiaan, Deepa Narayan, Veronica Nyhan Jones and Michael woolcock. (2005). Measuring Social Capital an Integrated Questionnaire, world bank working paper no.18
- Greeley, A. (1997). "Coleman Revisited: Religious Structures as a Source of Social Capital." *American Behavioral Scientist* 40 (5): 587–594.
- Dietz, G., Gillespie, N. & Chao, G. T. (2010). Unravelling the complexities of trust University Press, New York
- Durkheim, E. (1912). *Les Formes Elementaires de la vie Religieuse*, Paris: Alcan.
- Greeley, A. (1997). "Coleman Revisited: Religious Structures as a Source of Social Capital." *American Behavioral Scientist* 40 (5): 587–594.
- Mayer, R. C., Davis, J. H. & Schoorman, F. D. (1995). An integrative model of organizational trust. *Academy of Management Review*, Vol. 20, PP: 709–734.
- Möllering, G., Bachmann, R. & Soo, H. L. (2004). Introduction: Derstanding Organizational Trust Foundations, Constellations and Issues Of Operationalization, *Journal of Managerial Psychology*, Vol. 19 (6), PP: 556–570.
- Lowe KB, Cordery J, Morrison D. (2004). A model for the attribution of leader integrity: Peeking inside the black box of authentic leadership. Gallup Leadership Institute conference, Lincoln: University of Nebraska Press. P.46-50.
- Uphoff, N. (2000), "Understanding social capital: Learning from the analysis and experience of participation". In: Dasgupta, p. and Serageldin, (eds.), *Social Capital: A Multifaceted Perspective*. Washington, DC: The World Bank.
- Wang, A.C. & Cheng, B.S. (2010). When does benevolent leadership lead to creativity? The moderating role of creative role identity and job autonomy. *Journal of Organizational Behavior*, 31(1), 106-121.
- Weller, paul. (2011) religions and social capital. theses on religion (s), and social (ies): with particular reference to the united kingdom, and the European union. *Journal of international migration and integration*, volume 6, number 2, 271-289, doi:10.1007/s12134.
- UNESCO (1995) "Declaration of Principles on Tolerance", URL: <http://www.unesco.org/cpp>, 1387/8/15.

